



خدا گر پرده بردارد ز روی کار آدم ها

خدا دیربست پرده برداشته، اما با تأسف که آدم های فریبکار اند که فکر می کنند که هنوز هم زیر پرده پنهان هستند و می توانند، آفتاب را با دوانگشت پنهان کنند.

یکی از این آدم های فریبکار همین کاندید اکادمسین است که مانند شتر مرغ، فکر می کند با زیر خاک نمودن سرش توانسته است خاک بالای اعمال ناشایست و فریبکارانه خود بیاندازد.

این بوقلمون و مار خوش خط و خال (خط ندارد، خط خطی است) از روز ورود به وبسایت "افغان جرمن آنلاین" مانند گرگ در لباس میش مضمون می نویسد، یا به عبارۀ دیگر نوشته ها را از رسانه های مجازی دزدی می کند و با کمی دست زدن آنرا به نام خود منتشر نموده و نامش را می گزارد تاریخ.

برای این بدبخت و امثالاش که دست بر سرقت های ادبی می زنند، بعضاً اشاراتی شده، اما کجاست گوش شنوا و چشم بینا و وجدان بیدار؟

اما و مگر چیزیکه مهم است که باید تا حد امکان کوشش شود که طبقۀ جوان کشور از اعمال این خائنین افغان زمین با خبر شوند زیرا این مار های خوش خط و خال در صدد گمراه نمودن جوانان هستند.

اخیراً کاندید اکادمسین ساختگی که عضو هیئت شورای عالی انقلابی حزب منحلۀ (خلق - پرچم) بود و در اثر فرمان های این فرد فریبکار هموطنان بیگناه و مظلوم ما به کشتارگاه ها و زندان های مخوف رژیم دست نشانده شوروی نیست و نابود می شدند، مضمونی در سایت معلول الحال تحت عنوان «وطنپرستان! افغانستان را تنها نگذارید» نوشته و در آن پاکستان را به باد ملامت گرفته است که چهل و هفت سال است که افغانستان را تخریب می کند.

از این فریب کار باید پرسیده شود که دلیل مداخلات پاکستان چیست و از کجا نشئت کرده است؟ هموطنان ما خوب آگاه اند که چهل و هفت سال نه، بلکه بیشتر از چهل و هشت سال می شود که تخریب افغانستان عزیز با کودتای نامیمون، بدفرجام و منحوس حزبک نادموکراتیک (خلق و پرچم) آغاز شد و فجایع فراموش ناشدنی توسط سران و اعضای ملعون این حزب و طنفروش به وقوع پیوست که کشور عزیز و سربلند ما را از همان تاریخ به خاک و خون کشانید.

فلذا به این کاندید اکادمسین دروغی (دروغی نیست و حقیقی است و این اصطلاح نامأنوس و مبتذل را تجاوزگران روسی با خود آوردند و به غلامان بی مقدر خود ارزانی داشتند) باید فهمانده شود که هیچ وقت نمی تواند خاک به چشم ملت افغان بزند و هم با نوشتن جفنگ های تهوع آور و سرقت های ادبی، طبقه جوان کشور را به بیراهه بکشاند.

چیزی دیگری را که قابل یاد آوری می دانم، همانا نوشته ها و یا مضامین ایست که توسط یک تعداد دیگر که در این اواخر پرده از روی خود برداشته اند و واضحاً با نوشتن مضامین به طرفداری پوتین خونخوار در مورد جنگ تهاجمی که پوتین علیه اوکراین به راه انداخته ماهیت خود را آشکار نمودند.

این اشخاص حرمتی به وطن و ملت افغان که توسط دو همسایه اش تا پرتگاه سقوط رفت، ندارند.

این اشخاص آگاهانه علیه غرب که در خاکش زندگی و هوایش را تنفس می نمایند، به جانبداری از پوتین خونخوار و آخذ های قاتل دست و آستین برزده است.

رهبران این دو کشور، روسیه و ایران در تخریب و ویرانی افغانستان از همه امکانات استفاده کردند و می کنند. کودتای حزب نادموکراتیک خلق و پرچم به کمک اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی وقت طرح و اجرا شد. از همان روز اول کودتاه منحوس منافع ملت و منافع ملی کشور توسط کودتاچیان و بادران شان پامال گردید هزاران هموطن شریف و بی گناه ما به کشتارگاه ها و زندان ها برده شدند، قریه ها و قصبات ویران و هنوز هم که هنوز است وطن از آن صدمه مدهش، رهایی نیافته است، پس چطور می توانیم از روسیه و پوتین به دفاع برائیم و مدحیه سرایی سر دهیم. همچنان آخذ های بی آرم و بی حیا از زمان بوجود آمدن شان تا الحال در تخریب کشور، زبان و عنعنات ما کوشیده اند، آن ها همان طور که حزب الله را بلای جان کشور های شرق میانه ساخته اند، از طریق احزاب اهل تشیع افغانستان در کشور ما نیز رخنه نمودند در زمان بیست ساله دموکراسی وارداتی، از طریق مزاری، خلیلی، محقق، محسنی، و امثالهم. رژیم آخذی ایران غرب کابل را در استیلای خود داشت.

مکاتب و پوهنتون ها ساختند و به تأسیس چندین تلویزیون پرداختند و در از بین بردن زبان دری کوشش زیاد از طریق افغان های فروخته شده به آخندک های بی آرم پرداختند، نباید فراموش کرد که محمد آصف محسنی به صورت افتضاح آمیز در پیشبرد مرام ایران رول بازی نمود. وی رئیس شورای علمای شیعه افغانستان و بنیان گذار حوزه علمیه و دانشگاه (پوهنتون) خاتم النبیین در غرب کابل و مؤسس تلویزیون تبلیغاتی تمدن بود. وی در سال ۱۳۵۸ شمسی مقیم حوزه علمیه قم شد و حزب حرکت اسلامی افغانستان را بنیان گذاری کرد، یکی از اقدامات وی قانون احوال شخصیه اهل تشیع بود که توسط وی پیشنهاد شد، از شورای ملی رأی مثبت گرفت و توسط کرزی توشیع گردید. مثال برجسته دیگر خدمتگزاران جمهوری اسلامی ایران اسمعیل خان و رئیس جمهور وقت کرزی بودند که از طریق یک فروخته شده دیگر از اهل تشیع بنام رنگین دادفر سپننا که مقامات مهم دولتی را عهده دار بود، توسط وی مانند یک پوسته رسان ماهر پول برای کرزی انتقال می داد تا از پیشرفت و تخریبکاری ایران در افغانستان چشم پوشی کند.

اما دیده می شود که هنوز هم هستند اشخاصی که از ایران طرفداری می کنند و این یک دشمنی آشکار به ارزش های معنوی و همه ارزش های کشور آبائی ماست.

استقلال – خپلواکی : به آب زمزم و کوثر سفید نتوان کرد

گلیم بخت کسی را که بافتند سیاه